

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه هفتادم ۹۹ / ۰۳ / ۱۷

موضوع: اگر امیرالمؤمنین خلیفه می شد چه می شد؟ (۱)

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسیما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله. ما به همهی عزیزان خوش آمد می گویم و عرض می کنیم «تقبل الله اعمالکم». ان شاء الله دعاهاى شما در ماه مبارك رمضان به اجابت رسیده باشد، و روزه و نماز شما هم قبول باشد و به حول و قوه الهی ان شاءالله موفق و مؤید باشید.

از این که دوستان زحمت کشیدند و در این کلاس فضای مجازی حضور پیدا کردند ما از همه عزیزان تشکر می کنیم.

ما از امروز بحث را شروع می کنیم، عزیزان اگر سوالی داشتند می توانند بپرسند. در بالای نرم افزار، يك شکل «دست» است، شما به مجردی که روی «دست» کلیک کنید، ما این جا طوری تنظیم می کنیم وقتی که شما روی خط می آید می توانیم هم تصویری در خدمت شما باشیم و هم صوتی در خدمت شما باشیم.

موضوعی که برای این جلسه انتخاب کردم، تا برای اولین روز بحث مان شروع کنیم، یکی از شبهاتی است که وهابیت سال ها است دارند مطرح می کنند.

البته این شبهه، شبهه جدیدی نیست و چند سالی است که وهابیت در شبکه ها و فضای مجازی مطرح می کنند و آن این است: "اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) خلیفه می شد، چه می شد، حالا که خلیفه نشد چه شد!؟"

بعد می‌آیند يك سری مقایسه‌هایی می‌کنند و می‌گویند: در زمان خلفاء این همه فتوحات صورت گرفت و چنین و چنان شد، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) هم پنج سال خلافت را به عهده گرفت ولی کاری نشد!!

این يك شبهه‌ای است که این‌ها چند سال است مطرح می‌کنند و این شبهه را متأسفانه از زبان یکی از شیعیان معاصرمان آقای «عابدینی» که آقایان با اسم ایشان آشنا هستند هم می‌شنویم، ایشان از اساتید «حوزه علمیه اصفهان» است و مدعی است بر این که من اجازه اجتهاد از بعضی از مراجع هم دارم و درس خارج هم تدریس می‌کنم!

ایشان هم می‌گوید: "بر اساس دیدگاه شیعه - یعنی شاید خودش را خارج از شیعه معرفی می‌کند - نصب حضرت علی صورت گرفت؛ پس چرا مشکل مردم حل نشد؟"

لذا این يك نکته‌ای است که نیاز به جواب کاملاً اساسی دارد. این تصویری را که شما می‌بینید تصویر کتاب ایشان است. این جزوه در ۷۰۰ - ۸۰۰ صفحه است و سه تا نام پیشنهادی برای کتاب‌شان داشت: «پرتوهای رحمانی و پیشوایان ربانی؛ بیست و چهار نوشته در رابطه با بیست و چهار وجود نورانی؛ بیست و چهار مقاله درباره چهارده نور پاک».

ایشان در صفحه ۱۲۹ جزوه‌ای که خود ایشان به من دادند می‌گوید: "طبق نظر شیعه نصب حضرت علی صورت گرفت؛ پس چرا مشکل مردم حل نشد؟"

این همان حرفی است که وهابیت می‌زنند که البته من نوشتم: آقای «عابدینی»! این چه نوع عبارتی است که شما به کار برده‌اید؟ این نوع سخن گفتن شما، همان سخن وهابیت پلید است که امروزه در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر می‌شود!

مگر بنا بود به مجرد نصب امیر مؤمنان علی (علیه السلام) بدون آن که مردم به ولایت و امامت ایشان گردن نهند و به دستور آن حضرت عمل کنند مشکل مردم حل شود؟! حل شدن مشکل مردم چند تا شرط داشت:

يك: نصب اميرالمؤمنين برای امامت و ولايت.

دوم: بيعت مردم با اميرالمؤمنين (سلام الله عليه).

سوم: به دستورات اميرالمؤمنين عمل کردن.

شرط اول محقق شده است؛ ولی شرط دوم و سوم که در حقيقت نتیجه و دنباله‌ی شرط اول است محقق نشده است. وقتی که نصب شد و مردم با او بيعت نکردند و یا مردم بيعت کردند ولی به سخنانش عمل نکردند، اصلاً این چه فايده‌ی دارد!؟

من باز نوشتم: مگر به مجرد بر انگيخته شدن پیامبر خدا، مشکل مردم حل شد!؟ و یا همه مردم هدايت شدند!؟

ایشان در يك جا می‌گویند: "پیامبران آمدند عقل مردم را بالا ببرند، نه این‌که چون مردم نا آگاه هستند برای آنان خلیفه جعل کنند". جزوه «عابدینی» صفحه ۱۲۶، این عبارت ایشان است که می‌گویند: "پیامبران آمدند عقل مردم را بالا ببرند نه این‌که چون مردم نا آگاه هستند برای آنان خلیفه جعل کنند!"

این حرف ایشان، يك چیزی است که خلاف قرآن و خلاف سنت و خلاف تمام عقاید شیعه است. بعد ایشان می‌آورد:

«فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَةَ نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يُثْبِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ»

نهج البلاغه (للصبي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص ۴۳

ایشان به خطبه اول «نهج البلاغه» استدلال کرده است. ایشان نوشته است: "حضرت رسول الله آمدند تا عقل‌های مدفون شده را بر انگیزانند، نه این‌که چون مردم نا آگاه هستند برای آنان کسی را نصب کنند" می‌گوید آمدند عقل مردم را بالا ببرند؛ یعنی اگر عقل مردم را بالا بردند دیگر احتیاجی به نصب ندارد!!

من در جواب ایشان این مطلب را آورده‌ام که: پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله وسلم) ۲۳ سال زحمت کشید، در این ۲۳ سال به قول شما عقل مردم را بالا برد، چرا مردم نیامدند خلیفه‌ای که صلاح‌شان بوده و می‌توانست آینده مردم را و جامعه را اداره کند و مردم را به سعادت دنیا و آخرت برساند را انتخاب کنند؟ پس چرا انتخاب نکردند؟

خود ایشان می‌گوید: "مردم بعد از پیامبر، اگر علی را انتخاب می‌کردند کارشان درست می‌شد." اگر بر اساس استدلال شما پیش برویم آیا باید گفت (نستجیر بالله) پیامبر خدا در رسالت خویش موفق نبودند؟

ایشان می‌گوید: "پیامبران آمدند عقل مردم را بالا ببرند، نه این‌که چون مردم نا آگاه هستند برای آنان خلیفه جعل کنند؛" پس پیامبر (نستجیر بالله) در رسالت خودش موفق نبود! یعنی نتوانست عقل مردم را بالا ببرد!!

یا اینکه پیامبر در وظایف خودشان کوتاهی کردند، پیامبر اکرم که بنا بود بیاید وظیفه‌اش بود عقل مردم را بالا ببرد، (نستجیر بالله) به این وظیفه‌اش عمل نکرد و مشکل مردم هم حل نشد! آن همه جنگ و آن همه درگیری و آن همه مشکلاتی که وجود داشت و ما الآن ۱۴۰۰ سال است گرفتار هستیم.

بعد نوشتم: شما خود اعتراف کرده‌اید: "سیره پیامبر خدا آن نبوده که با زور شمشیر و اجبار مردم، مشکل مردم را حل کند" این حرف ایشان خیلی جالب است اصلاً از این حرف ایشان بوی کفر بیرون می‌آید.

در ادامه دارد: "بر خلاف پیامبر، حاکمان جور، چنین کردند مردم را با اجبار شمشیر به آنچه که می‌خواستند کشانند شما حتی در این زمینه به یکی از مصادیق این رفتار خلفاء نیز اجتهاد کرده‌اید."

خیلی جالب است، من گمان نمی‌کردم حتی به ذهن یک وهابی خطور کند همچنین حرفی بزند تا چه رسد یک روحانی شیعه!

می‌گوید: "خطیبی که در جلسه نصب «یزید» خطبه خواند در حالی که «معاویه» بالای منبر بود و «یزید» بر پله بعدی نشسته بود، با انگشت، دست به سوی «معاویه» اشاره کرد گفت این امیر المؤمنین است. بعد گفت اگر نبود، این امیر المؤمنین است. به «یزید» اشاره کرد. سپس شمشیر خود را بالا برد و گفت اگر قبول نکردید نوبت به این می‌رسد «والا فهذا»!!

با سه کلمه مختصر، مشکل مردم را - به قول شما - حل کرد؛ یعنی خطیب آمد با معرفی «یزید» و بالا بردن شمشیر، مشکل مردم حل شد، مشکل دنیایی مردم حل شد، مشکل قیامت و ایمان مردم حل شد؛ چون «یزید» را معرفی کرد!!

اگر واقعاً با معرفی مثل «یزید» مشکل مردم حل می‌شد که وضعیت این نبود. به طور مثال اگر پیغمبر اکرم بیاید بگوید آی مردم من پیغمبر هستم اگر من نبودم علی خلیفه است، اگر قبول نکردید نوبت به شمشیر می‌رسد! آیا با این مشکل مردم را حل می‌کرد؟ ما می‌گوییم هزاران لعنت به آن حل مشکل مردمی که این‌چنین و با شمشیر بخواهد مشکل مردم را حل کند!

اصلاً این با منطق قرآن نمی‌سازد این بنده خدا، ظاهراً قرآن نخوانده که فرمود:

(لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ)

در قبول دین، اکراهی نیست.

سوره بقره (۲): آیه ۲۵۶

پس این آیه کجا رفت؟

(فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ)

(نگران مباش! زیرا) بر تو، تنها ابلاغ (رسالت) است

سوره آل عمران (۳): آیه ۲۰

کجا رفت؟

(وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ)

و وظیفه نداری آنها را (به ایمان) مجبور سازی!

سوره انعام (۶): آیه ۱۰۷

کجا رفت؟

(لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ)

تو سلطه‌گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی.

سوره الغاشیه (۸۸): آیه ۲۲

کجا رفت؟

وظیفه پیغمبر هدایت مردم بود، نشان دادن راه‌های خوب از راه‌های بد بود. اگر مردم، زیر بار می‌رفتند و به سخنان پیغمبر عمل می‌کردند قطعاً همه مسائل حل می‌شد، و در این هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

پس بنابراین در صورتی که بنای پیامبران، بر اجبار و شمشیر نهادن بر گردن مردم نبوده چرا مردم به بیراهه رفتند؟ شما توقع دارید به محض انتصاب امام علی به خلافت و امامت مشکلات مردم حل شود؟

آیا نباید از شما پرسید که چرا پس از ۹۵۰ سال تلاش بی‌وقفه حضرت نوح، نه تنها مشکل مردم حل نشد بلکه عموم مردم، جز گروهی انگشت شمار، در دریای خشم خداوندی غرق و همه هستی آنان نابود شد؟

حضرت نوح ۹۵۰ سال تلاش کرد، بعد از ۹۵۰ سال، مردم هر چه دار و ندار داشتند نابود شد و خودشان هم غرق شدند و از بین رفتند.

یک نفر بیاید به شما بگوید: آقای «عابدینی» مگر بنا نیست انبیاء بیایند مشکل مردم را حل کنند و عقل مردم را بالا ببرند؟ چطور حضرت نوح، بعد از ۹۵۰ سال عقل مردم را نتوانست بالا ببرد و مشکل مردم را نتوانست حل کند؟

من در ادامه نوشته‌ام: بی‌پرده بگویم و از من رنجیده خاطر نشوید، برای شرمندگی شما در محضر حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) که اولین شهیده راه ولایت است همین عبارت وهابی پسند شما کفایت می‌کند.

نکته‌ای که در این جا وجود دارد این است که این‌ها یک جواب‌های تقریباً نقضی بود به آقای عابدینی دادیم ولی ما بیاییم به روایات برسیم ببینیم رسول اکرم برای معرفی امیر المؤمنین و حل مشکلات‌شان آیا در این زمینه سخنی هم دارد یا ندارد؟

نتیجه قبول ولایت علی (سلام الله علیه) و اطاعت از آن حضرت

ما گفتیم سه تا رکن، برای حل مشکل مردم وجود دارد: نصب امیر المؤمنین برای خلاف، بیعت مردم با علی (سلام الله علیه) و عمل به دستورات امیر المؤمنین.

۱ - علی زمینه ساز عمل به کتاب و سنت

ما آمدیم چند تا روایت آوردیم. در عنوان «نتیجه قبول ولایت علی و اطاعت از آن حضرت»، گفتیم اولین نتیجه‌اش این است که علی (سلام الله علیه) زمینه ساز عمل به کتاب و سنت است. این اولین نتیجه نصب و بیعت با امیرالمؤمنین است.

«ابن شبه نمیری» نقل می‌کند که «عمر بن خطاب» به «ابن عباس» برگشت گفت:

« إن أحرهم أن وليها أن يحملهم على كتاب الله وسنة نبيهم صاحبك يعني عليا »

سزاوارترین کس و شایسته‌ترین کسی که می‌تواند مردم را بر کتاب خدا و سنت پیغمبر وادار کند، علی ابن ابیطالب است.

تاریخ المدينة المنورة، اسم المؤلف: أبو زيد عمر بن شبة النميري البصري، دار النشر: دار الكتب العلمية

- بيروت - ۱۴۱۷هـ-۱۹۹۶م، تحقیق: علي محمد دندل وياسين سعد الدين بيان؛ ج ۲، ص ۵۹

پس خود مخالفین، کسانی که با علی مخالف بودند یا به عبارتی دیگر دشمنی کردند، اعتراف می‌کنند که اگر علی ابن ابیطالب خلیفه می‌شد و ولایت را می‌پذیرفت، اولین نتیجه ولایت علی، عمل به کتاب خدا و سنت بود. حضرت مردم را وادار و مجبور می‌کرد و بالای سرشان بود، امیرالمؤمنین در بازار مسلمین، قدم می‌زد و تازیانه هم دستش بود، مردم را از قیامت و کم فروشی و گران فروشی می‌ترساند. این در حقیقت وادار کردن مردم به عمل به سنت است.

«عایشه» هم در روایتی می‌گوید:

« أنه لأعلم الناس بالسنة »

علی ابن ابیطالب، عالم‌ترین مردم به سنت پیغمبر است.

الاستيعاب في معرفة الأصحاب، اسم المؤلف: يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر، دار النشر: دار

الجيل - بيروت - ١٤١٢، الطبعة: الأولى، تحقيق: علي محمد البجاوي، ج ٣، ص ١١٠٤

پیغمبر اکرم می‌خواهد یک کسی را انتخاب و نصب بکند که بعد از او سنت او را پیاده کنند؛ چون آن‌که می‌تواند مشکل دنیوی و اخروی، ظاهری و باطنی، مادی و معنوی مردم را تضمین کند، عبارت از عمل به سنت پیغمبر است.

وقتی یک فردی که بلد نیست اگر کسی جنب شد تیمم باید بکند و لذا وقتی از او سوال می‌کنند، می‌گوید تو جنب شدی فعلاً نماز نخوان تا به آب رسیدی آن‌جا غسل کن و نماز بخوان؛ چنین کسی می‌تواند مردم را به سعادت برساند!؟

در حقیقت کسی که چند روزی به خاطر داشتن غسل جنابت، نمازش را ترک می‌کند رابطه‌اش با خدای عالم ضعیف می‌شود. در روایت دیگر «عایشه» دارد.

«علي أعلم أصحاب محمد بما أنزل علي محمد»

علی ابن ابیطالب، عالم‌ترین انسان‌ها و عالم‌ترین صحابه است برآن‌چه که بر پیغمبر نازل شده است.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل؛ تألیف: الحافظ الکبیر عبید الله بن أحمد المعروف بالحاکم الحسکانی؛

الحنفی النیسابوری، تحقیق وتعلیق: الشیخ محمد باقر المحمودی؛ مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة

الثقافة والارشاد الاسلامي مجمع أحياء الثقافة الاسلامية، ١٤١١ هـ - ١٩٩٠ م، ج ١، ص ٤٧

یکی از شرائط این‌که مردم را به سعادت برسانند عمل «بما انزل الی النبی» است، که خدای عالم به صراحت اعلام می‌کند:

(إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ النَّعِيمِ)

(ولي) كساني كه ايمان آورده و اعمال صالح انجام داده‌اند، باغهاي پر نعمت بهشت از آن آنهاست؛

سوره لقمان (۳۱): آیه ۸

يا فرمود:

(وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ)

و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند، و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، کفایت امرش را می‌کند؛

سوره طلاق (۶۵): آیات ۲ و ۳

«تقوا» یعنی چه؟ یعنی عمل به سنت. و نیز فرمود:

(وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى)

و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت؛ و روز قیامت، او را نابینا محسوس می‌کنیم!»

سوره طه (۲۰): آیه ۱۲۴

فرمود: هر کس از ذکر و سنت من اعراض کند در دنیا برای او فشار و مضیقه قرار می‌دهیم؛ پس حتی کسی بخواهد به سعادت دنیوی برسد باید سنت و قرآن را ملاک قرار دهد. اگر یک ملتی بخواهد یک ملت سربلندی باشد، این در سایه عمل به سنت است که البته سنت، به معنای اعم که شامل قرآن و هم روایات است.

(وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا...)

و اگر اهل شهرها و آبادیها، ايمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند...

اگر ملت‌ها ایمان بیاورند، و ایمان تنها هم کافی نیست؛ (وَأَتَّقُوا) تقوا هم داشته باشند؛ یعنی به مقتضای ایمان، عمل کنند به دستور خدا و پیغمبر عمل کنند؛

(لَفَتَّحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ)

ما برکات آسمان و زمین را بر روی آنها نازل می‌کنیم.

سوره اعراف (۷): آیه ۹۶

از آن طرف هم فرمود:

(إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ)

(اما) خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است

تغییر دهند!

سوره رعد (۱۳): آیه ۱۱

خدا اگر نعمتی به یک امت و ملتی داد، اگر این ملت از قرآن و سنت و دستور الهی فاصله بگیرند، خدا هم نعمت‌ها را از این‌ها می‌گیرد. چه کسی می‌تواند مردم را وادار کند به دستورهای الهی عمل کنند؟ آن کسی که از همه آگاه‌تر به دستورات الهی است.

کسی که اصلاً نمی‌داند دستور خدا چه است؟ کسی که در ظرف ۲۰ سال توانسته سوره بقره را حفظ کند، کسی که کوچک‌ترین اطلاعی از مسائل اسلامی و قرآنی و آیات و روایات ندارد، یک مسئله کوچکی می‌آید می‌رود از این طرف و آن طرف سوال می‌کند، آیا او می‌تواند مردم را به سعادت برساند و مشکل مردم را حل کند؟ یا کسی که: «أَعْلَمُ أَصْحَابَ مُحَمَّدٍ بِمَا أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدًا» است؟! است؟! است!؟

این یک مطلب.

۲ - باعث هدایت مردم به صراط مستقیم

اگر علی خلیفه می‌شد نتیجه دوم این بود که باعث هدایت مردم به صراط مستقیم می‌شد. نتیجه دوم در حقیقت دنباله نتیجه اول است، نتیجه اول این بود که اگر علی، خلیفه می‌شد مردم را وادار می‌کرد به عمل به سنت و قرآن؛ اگر به کتاب و قرآن عمل می‌کردند باعث هدایت مردم به صراط مستقیم بود. صراط مستقیم هم سعادت دنیا و هم سعادت آخرت دارد.

«ابو نعیم اصفهانی» از «حذیفه» نقل می‌کند:

«قال: قالوا يا رسول الله ألا تستخلف علياً؟ قال إن تولوا علياً تجدوه هادياً مهدياً يسلك بكم الطريق

المستقيم»

در آخرین لحظه عمر شریف‌تان آیا شما خلافت علی را به صراحت برای مردم نمی‌گویید؟

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء؛ اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی الوفاة: ۴۳۰، دار النشر:

دار الكتاب العربي - بیروت - ۱۴۰۵، الطبعة: الرابعة، ج ۱، ص ۶۴

این صحبت، مربوط به آخرین روزهای عمر پیغمبر است؛ بعد از این که «غدير» و موارد دیگر گذشته و مردم هنوز «ان قلت و قلت» دارند.

«حذیفه» می‌گوید ای پیامبر! در آخرین لحظه‌های عمرتان هم باز شما بیایید خلافت علی را مطرح کنید، که دیگر مردم عذری نداشته باشند، فردا می‌آیند ادعا می‌کنند بله در «غدير»، پیغمبر علی را معرفی کرد بعد پشیمان شد. یا پیش ما آمد گفت نه، علی خلیفه نباشد مثلاً آقای فلان خلیفه باشد می‌تواند اینگونه حرفها را بگویند.

ولی اگر آخرین لحظه عمر اگر علی را خلیفه معرفی کردی، دیگر نمی‌توانند بگویند پیغمبر از آن حرفش پشیمان شد و حرف دیگری زد. حضرت فرمود:

«إن تولوا علیا تجدوه هادیا مهديا»

اگر به ولایت علی، مردم تن دهند، علی هم هادی و هم مهدی است، هم هدایت شده است و هم هدایتگر است.

«يسلك بكم الطريق المستقيم»

تمام شما را به راه مستقیم می‌کشاند.

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء؛ اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی الوفاة: ٤٣٠، دار النشر:

دار الكتاب العربي - بیروت - ١٤٠٥، الطبعة: الرابعة، ج ١، ص ٦٤

«یسلک» غیر از «یهدی» است؛ «یهدی» مثلاً بالای منبر می‌رود و سخنرانی می‌کند و باعث هدایت مردم می‌شود؛ ولی «یسلک» یعنی دست مردم را می‌گیرد و به صراط مستقیم می‌کشاند. مثل هدایت است که ما می‌گوییم دو نوع است: یکی «ارائة الطريق» است و دیگری «ایصال الی المطلوب» است.

اگر امیرالمؤمنین را ولی قرار بدهند، افزون بر این که «ارائة الطريق» می‌دهد، مردم را به صراط مستقیم می‌کشاند و «ایصال الی المطلوب» می‌کند. «یسلک بكم الطريق المستقیم» یعنی همه شما را به مطلوب واقعی که صراط مستقیم است می‌رساند.

در روایت دیگر دارد که:

«عن عمرو بن میمون قال شهدت عمر بن الخطاب غداة طعن... فقال: ... ان ولوها الأجلح سلك بهم

الطریق»

«عمرو بن میمون» می‌گوید من شاهد بودم عمر، بعد از این‌که «ابو لؤلؤ» او را ترور کرد برگشت گفت اگر چنانچه «أجلح» را ولی قرار بدهند، مردم را هدایت خواهد کرد.

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء؛ اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی الوفاة: ٤٣٠، دار النشر: دار الكتاب العربی - بیروت - ١٤٠٥، الطبعة: الرابعة، ج ٤، ص ١٥٢

«أجلح» آن است که قسمت بالای پیشانی‌اش مو ندارد. ما گفتیم در عدالت، در عبادت، در شجاعت و هیچ چیز دیگر که به علی نمی‌رسیم؛ ولی در میان صفات امیرالمؤمنین خدا دو تا صفت به ما داده که با امیرالمؤمنین شباهت داریم. یکی در فحش خوردن است که خدای عالم شباهت ما را به علی قرار داده است.

علی را یک عمری فحش دادند، وهابی‌ها همین الان که ما خیلی زیاد در فضای ماهواره‌ای نیستیم و در فضای مجازی فعالیت نداریم، الحمد لله این فحش‌شان را از ما دریغ نفرمودند، ما از نعمت فحش وهابیت برخوردار هستیم؛ این یک شباهت!

شباهت دیگر این‌که خدای عالم به ما داده این است که دو طرف جلوی سر ما مو ندارد. امیرالمؤمنین هم رأس مباركشان این طرف و آن طرف پیشانی‌شان مو نداشت و لذا به آن «أجلح» یا «أجیلح» می‌گفتند.
«لسان العرب» در معنای «أجلح» می‌نویسد:

«إِذَا انْحَسَرَ الشَّعْرُ عَنِ الْجَانِبِ الْجَبْهَةِ، فَهُوَ أَنْزَعٌ»

«أجلح و انزع» آن است که این طرف و آن طرف پیشانی‌اش مو ندارد.

لسان العرب؛ ابن منظور محمد بن مکرم، محقق / مصحح: میر دامادی، جمال الدین، ناشر: دار الفکر

للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، ج ٢، ص ٤٢٤

«عمر بن خطاب» می‌گوید اگر این «أجلح» را ولی قرار بدهند.

«سلك بهم الطريق»

شما را به صراط مستقیم وادار می‌کند.

«عبدالله عمر» برگشت گفت:

«ما يمنعك»

اگر واقعاً این طوری است چرا علی را خلیفه قرار نمی‌دهی؟

«قال أكره أن أتحمّلها حيا وميتا»

من نمی‌توانم علی را تحمل کنم نه در زمان حیاتم، نه بعد از مرگم!

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء؛ اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی الوفاة: ٤٣٠، دار النشر:

دار الكتاب العربي - بیروت - ١٤٠٥، الطبعة: الرابعة، ج ٤، ص ١٥٢

می‌گوید: همان طوری که زنده بودم نمی‌توانستم خلافت علی را ببینم، بعد از مرگم هم نمی‌خواهم خلافت علی را ببینم.

در روایت «ابو نعیم» است.

«يحملكم على المحجة البيضاء»

حلیة الأولیاء وطبقات الأصفیاء؛ اسم المؤلف: أبو نعیم أحمد بن عبد الله الأصبهانی الوفاة: ٤٣٠، دار النشر:

دار الكتاب العربي - بیروت - ١٤٠٥، الطبعة: الرابعة، ج ١، ص ٦٤

در روایت «ابن شُبّه نمیری» به همین شکل آمده است؛ پس اولین ویژگی این‌که اگر علی خلیفه می‌شد مردم را به کتاب و سنت وادار می‌کرد. دو: نتیجه وادار کردن کتاب و سنت رساندن مردم به صراط مستقیم بود.

۳ - رهنمود جامعه به سوی حق

سومین ویژگی این که اگر علی خلیفه می‌شد، رهنمود جامعه به سوی حق است. در روایت «ابن عساکر» است که عمر به اصحاب شورا گفت:

«لله درهم»

خدا این‌ها را هدایت‌شان کند

«إن ولّوها الأصلع كيف يحملهم علی الحق»

اگر علی را ولی امر خودشان قرار بدهند خواهند دید که چگونه مردم را بر حق وادار می‌کند!

«وإن حملاً علی عنقه بالسيف»

و اگر چه بر گردن علی شمشیر بگذارند علی از شمشیر نمی‌ترسد مردم را به حق وادار می‌کند.

«قال: فقلت: أتعلم ذاك منه ولا تولّه؟»

می‌دانی علی، مردم را به حق می‌کشاند؛ ولی او را به عنوان ولی انتخاب نمی‌کنی؟

تاریخ مدینه دمشق و ذکر فضلها وتسمیه من حلها من الأمثال، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن

إبن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - ۱۹۹۵، تحقیق: محب الدین اَبی سعید

عمر بن غرامه العمري؛ ج ۴۲ ص ۴۲۸

فردای قیامت ان شاء الله در محکمه عدل الهی جواب می‌دهند، ما هم ان شاء الله آن‌جا تماشا می‌کنیم.

در کتاب‌های شیعه هم به این قضیه اشاره شده است. «رضی الدین» برادر «علامه حلی»، «علی ابن یوسف»

است که نقل کرده است:

«إِنْ وَلَّوْهَا الْأُضْيَلَعِ، كَيْفَ يَحْمِلُهُمْ عَلَى الْحَقِّ، وَ لَوْ كَانَ السَّيْفُ عَلَى عُقْبِهِ»

اگر شمشیر را بر گردن علی بگذارند بگویند از حق، دست بر نداری گردنت را می‌زنیم با همه این حال
علی از حق دست بر نمی‌دارد مردم را به حق وادار می‌کند!

العدد القویة لدفع المخاوف اليومية؛ حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلی)،

محقق / مصحح: رجائی، مهدی و مرعشی، محمود، ناشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ص ۲۵۲

۴ - ضامن رفاه دنیوی مردم

نتیجه چهارم: ولایت علی رفاه دنیوی مردم را در پی دارد. آقای عمامه به سر، به قول خودش «آیت‌الله درس
خارج گو» می‌گوید علی را خلیفه کردند چرا مشکلات مردم حل نشد؟

دوستان می‌بینند یک روایت از شیعه نمی‌آورم، «سلمان فارسی» بنا به نقل «بلاذری» می‌گوید:

«لو بايعوا علياً لأكلوا من فوقهم ومن تحت أرجلهم»

اگر با علی، بیعت کنند مردم از بالای سرشان و زیر پای شان نعمت‌های خدا را می‌خورند.

أنساب الأشراف؛ اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى : ۲۷۹هـ)؛ ج ۱، ص ۲۵۵

یعنی اگر علی خلیفه شود اولاً بیت المال را بالسویه میان مردم تقسیم می‌کند، یکی نمی‌آید از رانت خواری
استفاده کند و خانه‌های چند صد میلیاردی داشته باشد و دیگری یک پیره زنی یک آونکی داشته باشد، اسپری
بزنند این بدبخت را مسموم بکنند و بروند آونکش را خراب بکنند!!

علی اگر خلیفه بود خودش فرمود اگر بیت المال زیر دندان ظالم باشد از زیر دندان ظالم می‌کشم به صاحب حق
می‌رسانم؛ پس علی اگر خلیفه می‌شد این طوری رفتار می‌کرد.

این که «سلمان» می‌گوید بالای سر و زیر پای‌شان از نعمت‌های الهی استفاده می‌کردند، چون علی بیت المال را آن گونه‌ی که هست بالسویه میان مردم تقسیم می‌کرد. فرقی میان «طلحه» و «زبیر» با «سلمان» و «مقداد» نمی‌گذاشت، هیچ برای علی تفاوتی نداشت.

و اضافه اگر امیرالمؤمنین خلیفه بود چون اعلم به طرق آسمان و زمین است راه رفاه مردم را برای آن‌ها روشن می‌کرد. بهترین راهکارهای اقتصادی را برای مردم بیان می‌کرد، بهترین راهکارهای زراعی را برای مردم بیان می‌کرد، بهترین راهکارهای تجاری را برای مردم بیان می‌کرد.

یعنی اگر امیرالمؤمنین خلیفه می‌شد، مردم از بالای سر و زیر پای‌شان نعمت‌های سرازیر می‌شد این هم فرمایش آقایان اهل سنت است. ولی مردم با علی بیعت نکردند و به دستورات علی عمل نکردند

بنا به نقل «ابن طیفور» متوفای سال ۳۸۰، حضرت زهرا در خطبه‌ای که برای زنان «مهاجرین» و «انصار» که برای عیادتش آمده بود خواند فرمود:

« والله لو تكافؤا علي زمام نبذه رسول الله... ولفتحت عليهم بركات من السماء والأرض وسيأخذهم الله بما كانوا يكسبون.»

سوگند به خدا اگر زمام خلافت را که پیامبر خدا در اختیار علی قرار داده بود، از کف او بیرون نمی‌کردند ... برکات آسمان و زمین به روی آنان گشوده می‌شد. اما خداوند آنان را به گناهی که مرتکب شدند [به خلافت امام علی تن ندادند] مؤاخذه و عذاب خواهد نمود.

بلاغات النساء؛ اسم المؤلف: أبو الفضل أحمد بن أبي طاهر ابن طيفور (المتوفى: ۲۸۰هـ) الوفاة: ۲۸۰،

ج ۱، ص ۹

پس این چهارمین دلیل.

بنابراین اگر به امیرالمؤمنین اختیار می‌دادند علی، تمام راهکارهای رسیدن حتی به مال دنیا را هم به مردم نشان می‌داد. مثلاً می‌گفت اگر شما می‌خواهید زراعت کنید راهکارهای زراعت خوب این است.

می‌دانست که مثلاً در زمینی که فلان ویژگی‌ها را دارد در این زمین مثلاً پنبه خوب بار می‌آید، در فلان زمین گندم خوب بار می‌آید، در فلان زمین میوه جات بار می‌آید. تمام این‌ها را برای مردم بیان می‌کرد؛ چون امیرالمؤمنین خودشان فرمودند من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین بیشتر وارد هستم:

«أبها الناس سلوني قبل أن تفقدوني، فلأنا بطرق السماء أعلم مني بطرق الأرض»

شرح نهج البلاغة، اسم المؤلف: أبو حامد عز الدين بن هبة الله بن محمد بن محمد بن أبي الحديد المدائني، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - ١٤١٨هـ - ١٩٩٨م، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عبد الكريم النمري؛ ج ١٣، ص ٥٩

پس چهارمین مطلب این است اگر علی خلیفه می‌شد ضامن رفاه دنیوی مردم بود.

٥ - ضامن رستگاری و سعادت اخروی

پنجم اینکه اگر علی خلیفه می‌شد ضامن رستگاری و سعادت اخروی بود؛ یعنی مردم همه چیز داشتند، مردم هم دنیا داشتند هم آخرت داشتند. یعنی اگر امیرالمؤمنین خلیفه می‌شد سعادت اخروی را هم در کنار سعادت دنیوی داشتند.

داستان مفصل است. «عبدالله بن مسعود» می‌گوید در آن شبی که اجنه پیش پیغمبر آمده بودند تا ایمان بیاورند - در سوره جن هم به طور مفصل آمده است - حضرت یک نفسی و آهی کشید، گفتم یا رسول الله چه شده است؟

«كنت مع النبي لَيْلَةً وَفِدِ الْجِنِّ فَتَنَّفَسْتُ! فَقُلْتُ: مَا سَأَأْتُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: نُعِيْتُ إِلَى نَفْسِي يَا بَنَ مَسْعُودًا!»

فرمود: من احساس می‌کنم روزهای آخر عمرم است، گفتم: یا رسول الله با صراحت، یک خلیفه برای مردم بیان کنید. فرمود: چه کسی را بگویم؟ گفتم: علی را.

«قُلْتُ: فَاسْتُخْلِفُ! قَالَ: مَنْ؟ قُلْتُ: عَلِيٌّ بَنُ أَبِي طَالِبٍ!»

حضرت فرمود:

«أَمَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَئِنْ أَطَاعُوهُ لَيَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ أَجْمَعِينَ أَكْثَرِينَ»

قسم به خدای که نفس من در قبضه قدرت او هست اگر از علی اطاعت کنند تمام مردم را دسته جمعی وارد بهشت می‌کند.

المصنف؛ اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني الوفاة: ۲۱۱، دار النشر: المكتب الإسلامي -

بيروت - ۱۴۰۳، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج ۱۱، ص ۳۱۸

پس این‌ها نشانگر این است که اگر علی خلیفه می‌شد، هم مردم را به کتاب و سنت وادار می‌کرد و هم مردم را به صراط مستقیم هدایت می‌کرد، و هم مردم را به مسائل دنیوی و اخروی‌شان می‌رساند.

این‌ها نمونه‌هایی بود که ما از کتب اهل سنت استقصاء کردیم تا بباییم ببینیم که اگر علی (سلام الله علیه) خلیفه می‌شد چه می‌شد؟ حالا من بینم دوستان پیامهایی که دادند و سؤالاتی که مطرح کرده اند چیست تا پاسخ بدهیم.

پرسش:

شعار حضرت امیر در مسائل اقتصادی، تلاش در تولید و قناعت در مصرف بود.

پاسخ:

این هم فرمایش قشنگی است. وقتی که در تولید تلاش کرد، وقتی انسان به کفاف رسید به اندازه‌ای که تلاش می‌کند برداشت می‌کند. فرمود:

(وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى)

و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست.

سوره نجم (۵۳): آیه ۳۹

وقتی می‌تواند زراعت خوب داشته باشد، تجارت خوب داشته باشد، کارهای خوب انجام بدهد از این نعمت‌ها هم استفاده می‌کند. اصلاً نیاز به قناعت نیست. بله اسراف نمی‌کند، اگر کسی درآمدش مثلاً در ماه دو میلیون تومان است نمی‌آید پنج میلیون تومان خرج کند. این فرمایش تان کاملاً درست است.

پرسش:

آیا حضرت امیر، مردم را به زور وادار می‌کرد یا آن‌قدر روشن بیان می‌کرد که مردم می‌پذیرفتند؟

پاسخ:

نه، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) می‌آمد يك قانونی برای جامعه معین می‌کرد، مثلاً اگر کسی گرانفروشی می‌کرد فلان جور با او برخورد می‌شد. چون یکی از عوامل فقر در جامعه گرانفروشی است، یکی از عوامل فقر جامعه، احتکار است، یکی از عوامل فقر در جامعه، کم‌فروشی است.

اگر امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به زور، محتکر را ادب می‌کرد، گرانفروش را ادب می‌کرد، کم‌فروش را ادب می‌کرد، آن کسی که ملك دارد ولی در ملكش کار نمی‌کند، ملك را از دستش می‌گیرد می‌دهد به کسی که

می‌تواند روی ملك کار کند. کسی که ده تا خانه درست کرده است و حاضر نیست در اختیار کسی قرار دهد، حضرت برخورد می‌کرد.

فرمود:

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند بی‌آنکه او را ببینند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است!

سوره حدید (۵۷): آیه ۲۵

افزون بر این که مردم را روشن می‌کرد، از احکام الهی از تعزیر گرفته تا به حدود برسد حضرت اجرا می‌کرد. در جامعه اگر دزدی پیدا می‌شد، دست چهار نفر را قطع می‌کردند، دیگر در آن جامعه دزدی پیدا نمی‌شد. اگر کسی به ناموس مردم تجاوز می‌کرد در ملاء عام حد می‌خورد دیگر ناموس مردم در امنیت بودند. بله امیرالمؤمنین از دو نکته استفاده می‌کرد؛ هم هدایت می‌کرد مردم را و هم به زور متوسل می‌شد یعنی اجرای حدود و تعزیر مجرم.

پرسش:

در این موضوع «اگر علی خلیفه می‌شد چه می‌شد؟» کتب چه معرفی می‌کنید؟

پاسخ:

الان من چیزی ندارم، این‌هایی را که الان خدمت شما عرض کردم به قول معروف از کشفیات خود ما است، به قدری سوال کردند که ما مطالب را به این شکلی تنظیم کردیم.

من ندیدم کسی بیاید يك کتابی نوشته باشد که اگر علی خلیفه می‌شد نتیجه‌اش چه می‌شد؟ گرچه مرحوم «شرف الدین» هم در کتاب «المراجعات» نکاتی را آورده است، اگر کسی مطالعه کند می‌تواند مطالبی را در بیاورد.

پرسش:

اگر ممکن است همین قسمت از فایل ورد را که بیان نمودید همین‌جا ارسال نمایید.

پاسخ:

فرمایش تان متین، علی عینی و رأسی! ان شاء الله مطلب را در اختیار عموم قرار می‌دهیم. البته این چهار – پنج تایی را که من آوردم نمونه کوچکی بود. اگر شما بخواهید واقعا روایات و احادیث را در رابطه با خلافت امیرالمؤمنین مطرح کنید خیلی مطلب بیش از این است.

شما می‌توانید در يك ماه رمضان هر شب يك ساعت تا يك ساعت و نیم در رابطه با این‌که: "اگر علی خلیفه می‌شد چه می‌شد!؟" صحبت کنید.

شما اگر نامه امیرالمؤمنین به «مالك اشتر نخعی» را که در «سازمان ملل» ثبت شد، ملاحظه کنید خواهید دید که اگر امروز يك حکومتی همین دستور العمل امیرالمؤمنین را اجرا کند، آن کشور گلستان می‌شود.

پرسش:

حضرت می دانست که آیندگان به این علوم نیاز دارند، خود اقدام به معرفی آن می کرد منتظر سوال دیگران نمی شد.

پاسخ:

رسول اکرم که ۱۳ سال در «مکه» بود، حضرت در غربت به سر می بردند. ۱۱ سال یا ۱۲ سال در «مدینه» بود، آن همه جنگ و ... پیش آمد و نگذاشتند.

امیرالمؤمنین هم ۲۵ سال خانه نشینی کرد. حضرت هم آمد قرآنی را «طبق ما انزل» نوشت و در مسجد برد ولی زیر بار قرآن علی نرفتند، حالا می خواهند زیر بار سخنان علی بروند!؟

به امیرالمؤمنین اجازه نمی دادند در جامعه حضور پیدا کند، مانع می شدند. ۲۵ سال امیرالمؤمنین خانه نشین شد، نتوانست حقایق را برای مردم برساند، در آن ۵ سال هم آمد نزدیک چند ماه درگیر جنگ جمل شد و ۱۸ ماه جنگ صفین طول کشید. چند ماه هم درگیر خوارج نهروان بود، امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) فرصتی نکرد. دوستان اگر سوال و فرمایشی دارند دست شان را بلند کنند و ما در خدمت دوستان هستیم با تصویر هم اگر یکی دو نفر بخواهند تصویری هم بیایند مشکلی نیست. ما ۲۷ نفر روز اول در کلاس مجازی داشتیم و حال آن که نزدیک به ۶۰ نفر ثبت نام کرده بودند.

اگر هر کدام از دوستان سوالی دارند محبت کنند روی دستی که در بالای نرم افزار است اگر آن جا کلیک کنند، ما می توانیم هم تصویرشان را بیاوریم تا همه تصویرشان را زیارت کنند البته اگر در وضعیتی هستند که تصویرشان قابل پخش باشد. همین اندازه که پیرهن ساده هم تن شان باشد در تصویر بیایند ما قبول داریم، ما زیاد آدم ناشکری نیستیم.

پرسش:

کتابی که در جواب اصول مذهب الشیعه «قفاری» می‌نوشتید تمام شد؟

پاسخ:

خیر، از نزدیک به هزار شبهه‌ای که ایشان مطرح کرده‌اند، حدود دویست شبهه را جواب دادیم، و ما بقی را به خاطر نداشتن امکانات، و مدتی را هم درگیر شبکه ولایت و کارهای اجرایی بودیم، متأسفانه تمام نشد و به همین شکل مانده است.

پرسش:

کلمه «انزع البطين» را توضیح دهید.

پاسخ:

در رابطه با «انزع البطين» بعضی از افراد هستند که شکم‌شان مقداری جلو است. حالا بعضی از افراد به خاطر پرخوری شکم‌شان جلو آمده است و بعضی از افراد هستند که اسکلت بدنشان طوری است که قسمت کمرشان خمی بیشتری دارد و لذا شکم‌شان جلو آمده است. «انزع البطين» به معنای این‌که شکم‌شان يك مقداری بیرون می‌رفت.

نکته ای را هم لازم است تذکر دهم و آن اینکه من بارها گفته‌ام من در غالب شهرهای ایران برای منبر و... رفته‌ام، من مردم دو تا شهر را مؤمن‌تر از بقیه جاها دیدم، یکی مردم «تویسرکان» است که يك ماه رمضان من آن‌جا بودم و واقعا من از اخلاق مردم و از برخورد مردم و از صفای مردم لذت بردم.

دوم هم مردم شهر «قزوین» است که واقعا مردم‌شان، مردم متدین و مردم پاك و علاقمند به روحانیت هستند و من کمتر شهری را دیدم که مثل مردم «قزوین» این‌طور مقید باشند.

ولی معمولا می‌آیند برای هر شهری يك چیزی در می‌آورند. به قولی برای «اصفهان» يك چیزی در می‌آورند و برای «قم» يك چیزی در می‌آورند و... آن شاعر «تبریزی - شهریار» که اخیرا مرحوم شد و کتابهای زیادی هم نوشته است. ایشان يك شعر مفصلی در این زمینه دارد و برای هر کدام از این شهرها حرفی گفته است.

پرسش:

مگر معصومین از نظر جسمانی هم، زیباترین افراد جامعه نبودند!؟

پاسخ:

ائمه (علیهم السلام) این طوری نبود که همه ائمه زیباترین افراد جامعه باشند. ائمه باید الگو برای مردم باشند. یکی مثلا سیاه چهره بود؛ مثلا آقا امام جواد (سلام الله علیه) چهره سیاهی داشتند، حتی به طوری که بعضی از دشمنان آمدند گفتند که ایشان فرزند امام رضا نیست.

در آن زمان که امکانات امروزی نبود که بیابند از طریق آزمایش «دی ان ای» تشخیص بدهند، چند تا قیافه شناس آمدند تشخیص دادند بر این که امام جواد فرزند حضرت رضا است.

ائمه (علیهم السلام) بعضی‌هایشان سیاه چهره بودند و بعضی‌ها سفید چهره بودند و بعضی‌ها خیلی خوشگل و نورانی بودند و بعضی‌ها متوسط بودند.

اگر همه ائمه يك قیافه و يك زیبایی خاصی داشتند چه بسا مردم می‌گفتند چون امام صادق خیلی خوشگل و نورانی است او را به عنوان امام انتخاب کردند؛ اگر ما هم خوشگل بودیم خدا ما را هم به عنوان امام انتخاب می‌کرد. لذا روی این جهت ائمه (علیهم السلام) هر نوع قیافه‌های مختلف داشتند.

پرسش:

نظر حضرتعالی درباره امام زادگان فعلی کشورمان چیست!؟

پاسخ:

امامزاده سازی یک زمانی در ایران گسترش پیدا کرد. هر کسی مدعی می‌شد من از فرزندان اهل بیت هستم، چون مردم «ایران» به اهل بیت علاقه داشتند، ایشان که از دنیا می‌رفت یک مقبره‌ی می‌ساختند و به عنوان این‌که این فرزند منتسب به رسول اکرم است، او را احترام می‌کردند.

آن دسته از امامزاده‌هایی که واقعاً شجره نامه دارند و بزرگان ما و شخصیت‌های علمی ما که در «علم رجال» کاملاً مسلط هستند، برای آن‌ها شجره نامه‌ای نوشتند، قطعاً این‌ها فرزندان ائمه (علیهم السلام) هستند و ما هم موظف هستیم به زیارت این‌ها برویم و چه بسا بعضی‌ها پیش خدای عالم، آبروی زیادی دارند.

و آن‌هایی هم که شجره نامه ندارند ما به قصد رجاء و به قصد این‌که این فرزند پیغمبر است به زیارتش می‌رویم و هیچ اشکالی ندارد؛ رفتن به زیارت این‌ها، همان حدیث «من بلغ» مسئله را تمام می‌کند. حدیث «من بلغ» فقط مال چهار تا دعا نیست.

مجموعاً امروز ۲۳ نفر در کلاس حضور داشتند و حال آنکه شصت نفر ثبت نام کرده بودند. ان شاءالله امیدواریم از فردا دوستان بزرگواری کنند و حضور بهتری داشته باشند.

ما هم گفتیم که دوستان باید هم یک مقداری کامپیوترشان را مجهز کنند و هم اینترنت پر سرعت بگیرند. ما هم در حد وسع خودمان از باب «انّ الهدایا علی مقدار مهدیها» به دوستان در این زمینه کمک خواهیم کرد.

می‌گویند حضرت سلیمان که آمده بود، همه آمدند به دیدار ایشان؛ در این میان دیدند که یک موری هم آمده و ران ملخی را گرفته و به عنوان هدیه آورده است. گفتند: این چه هدیه‌ای است؟ گفت: «انّ الهدایا علی مقدار مهدیها»!

ما در ماه رمضان شرمنده دوستان شدیم. من اگر واقعاً مبسوط الید بودم، شاید خیلی بیش از این می‌توانستیم خدمت عزیزان که امسال از تبلیغ محروم شده بودند تقدیم کنیم.

و گفتیم که این دوستانی که مرتب به کلاس می آیند، با توجه به اینکه هزینه اینترنت سنگین هست، ما به حول و قوه الهی، هزینه اینترنت دوستان را به حسابشان واریز می کنیم.

ان شاءالله هر روز سر ساعت ۹ کلاس شروع می شود و تا ساعت ۱۰ هم ادامه دارد. امیدوارم همه دوستان موفق و مؤید باشند.

این نرم افزار هم که ما تهیه کردیم، تقریباً بهترین نرم افزار موجود در بازار هست. حتی ما در ماه رمضان که برای اساتید حوزه علمیه خواهران جلسه داشتیم، نرم افزاری که خودشان ادعا دارند میلیاردری هزینه کردند، جواب نداد و ما مجبور شدیم خودمان این برنامه را تهیه کنیم و دوستان یک تغییراتی در آن دادند و ما از آن استفاده کردیم.

این نرم افزار، نرم افزار خیلی خوبی هست؛ صدا و تصویر خیلی عالی و طبیعی هست. اسم این نرم افزار هم «اسکای روم» هست. البته عرض کردم که دوستان فنی ما یک تغییراتی هم در آن ایجاد کردند. و ما الحمدلله راضی بودیم و در ماه رمضان برای اساتید نخبه حوزه علمیه خواهران پنج استان روزی یک ساعت، یک ساعت و نیم کلاس داشتیم و از این نرم افزار استفاده کردیم؛ هم آنها راضی بودند و هم ما راضی بودیم.

خدا حافظ همه دوستان، موفق و مؤید باشید.

«والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته»